

International Commercial Contracts in Islam

Juma Ali Haqqani¹ , Asadullah Haidari² 

1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan. (Corresponding author). E-mail: j.ali.haqqani@kateb.edu.af
2. Master's Student in International Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan.
E-mail: haidari.asadullah77@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received :
04/03/2025
Received in
revised form :
06/04/2025
Accepted :
22/04/2025
Available online :
03/10/2025

Keywords:

Trade, Contract,
Commercial
Transactions,
International Law,
Islamic Law.

International commercial contracts are regarded as fundamental instruments in facilitating economic exchanges and fostering trade relations among nations in today's globalized world. These contracts are not only governed by the principles and rules of international law but are also influenced by cultural and ethical values within different legal systems, including Islamic law. In international law, foundational principles such as freedom of contract, legal security, and fairness in transactions are emphasized, while Islamic law focuses on legitimacy of transactions, honesty, and the avoidance of deception. A comparative analysis of the similarities and differences between these two legal systems in the context of commercial contracts contributes to a deeper understanding of the challenges and opportunities within the global market, and can pave the way for establishing fair and sustainable agreements in international trade. This study, entitled "International Commercial Contracts in International Law and Islamic Law", has been conducted using a descriptive-analytical approach and through library-based research. The findings indicate that international commercial contracts, as vital instruments for facilitating global economic exchanges, are governed by distinct principles and frameworks within both international law and Islamic law. While international law emphasizes principles such as freedom of agreement, mutual obligations, and various dispute resolution mechanisms, Islamic law underscores moral values including justice, fairness, and the legitimacy of contract subject matter. Both systems recognize the essential elements for the validity of contracts and their diverse forms; however, Islamic law distinguishes itself through its unique approach, particularly in supervising the legitimacy and ethical foundations of transactions. Despite existing challenges, convergence between these two systems can enhance and strengthen international commercial relations while safeguarding the rights and interests of contracting parties.

Cite this article: Haqqani, J. & Haidari, A. (2025). International Commercial Contracts in Islam, *Kateb Journal of Law*, 4 (1), 103-119.



قراردادهای تجارتي بين المللي در اسلام

جمعه علی حقانی^۱  اسدالله حیدری^۲ 

۱. پوهنمئل دپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق، پوهنتون کاتب، کابل افغانستان. (نویسنده مسؤول).

ایمیل: j.ali.haqqani@kateb.edu.af

۲. محصل ماستری حقوق بین الملل، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان.

ایمیل: haidari.asadullah77@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

شناسایی حکومت‌ها یکی از مباحث عمده و اساسی حقوق بین‌الملل است که حکومت جدید برای مشروعیت پیدا کردن در سطح بین‌الملل نیازمند شناسایی از سوی دیگر ملل جهان شده و بر مبنای آن حکومت‌های موجود؛ تشکیل یک واحد سیاسی که عناصر لازم برای تأسیس را دارا و قادر به تأمین روابط بین‌المللی است، تأیید می‌کنند. برای اعمال کامل صلاحیت و قبول شدن به عنوان عضو فعال جامعه بین‌المللی هر حکومتی بعد از تأسیس، ضرورت به شناسایی دارد. شناسایی حکومت در حقوق بین‌الملل یکی از مباحثی است که بیشتر بر سازکارهای سیاسی استوار بوده و برای کسب آن روش‌های متفاوتی پیش بینی شده است. گاهی عمل شناسایی از مجرای یک سازمان بین‌المللی یا کنفرانس عمومی به شکل دسته جمعی انجام شده و گاهی شناسایی با رویکرد انفرادی همراه بوده است. شناسایی به معنای آن است که حکومت شناسایی کننده و حکومت شناسایی شده در روابط خویش طبق حقوق بین‌الملل از حقوق و تکالیف ناشی از حکومت بودن برخوردارند. در خصوص ماهیت شناسایی دو دیدگاه متفاوت در حقوق بین‌الملل مطرح می‌گردد، یکی این که شناسایی به حکومت جدید شخصیت حقوقی می‌بخشد و نظریه دیگر این که شناسایی به معنای اعطای شخصیت حقوقی و ایجاد دولت جدید نبوده؛ بلکه یک واقعیت از قبل موجود را تأیید می‌کند. شناسایی شرط اساسی و لازم برای برقراری مناسبات میان حکومت‌ها، و مؤید حق و تکلیف برای حکومت تازه تشکیل شده در عرصه بین‌المللی دانسته می‌شود. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات آن از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که حکومت‌ها، تا زمان اثبات همکاری با دیگر حکومت و کشورها در مبارزه با گروه‌های تروریستی، حسن همجواری، رعایت قواعد حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی و نیز رعایت هنجارهایی مانند حفظ حقوق بشر و زنان و تشکیل حکومتی فراگیر، از سوی جامعه بین‌المللی شناسایی نخواهد شد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱

واژه‌های کلیدی:

تجارت، قرارداد، معاملات
تجارتی، حقوق بین‌الملل،
حقوق اسلام

استاد: حقانی، جمعه‌علی و حیدری، اسدالله (۱۴۰۴). قراردادهای تجارتي بين المللي در اسلام. *دوفصلنامه حقوق کاتب*، ۴(۱)، ۱۱۹-۱۰۳.



© نویسندهگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

مقدمه

قراردادهای تجارتي بين المللي يکي از ارکان اصلي تعاملات اقتصادي در سطح جهاني به حساب مي آيند. اين قراردادها به کشورها و شرکتها اين امکان را مي دهند که با همکاري و مبادله منابع و محصولات، از مزايای نسبي خود بهره مند شوند و رشد اقتصادي را تسريع بخشند. از زمان جهاني شدن اقتصاد و گسترش فناوری، اهميت اين قراردادها به طور چشمگيري افزايش يافته است و موضوعات متنوعي از جمله حقايق اقتصادي، حقوقي و فرهنگي را به چالش مي کشد. حقوق بين الملل، بويژه در زمينه تجارت، چهارچوبهاي معيني را براي تنظيم اين قراردادها فراهم مي آورد. قوانيني مانند کنوانسيون وين ۱۹۸۰ در مورد قراردادهاي فروش بين المللي کالا و اصول يکنواخت سازي قواعد تجارتي (مثل UNIDROIT) براي کاهش عدم قطعيت و تسهيل روابط تجاري ايجاد شده اند. اين قوانين به تاجران کمک مي کنند تا با اطمينان بيشتري به تجارت بپردازند و از حقوق خود در تعاملات بين المللي حفاظت کنند.

از سوي ديگر، اسلام به عنوان يک دين جامع و فراگير، نيز داراي اصول و قواعد خاص خود در حوزه تجارت است. احکام اسلامي نه تنها به ابعاد معنوي و اخلاقي تجارت توجه دارند، بلکه تاکيد بر عدل، انصاف و برقراري روابط تجارتي متوازن و سالم نيز دارند. در اسلام، قراردادهايي که با اصول شريعت مغايرت ندارند، معتبر و لازم الاجرا از نظر حقوقي شناخته مي شوند. از جمله مقررات اسلامي مي توان به ممنوعيت ربا، تاکيد بر شفافيت و صداقت در معاملات و همچنين رعايت حقوق طرفين قرارداد اشاره کرد. در اين راستا، بررسي تطبيقي قراردادهاي تجارتي بين المللي در حقوق بين الملل و اصول اسلامي مي تواند زمينه ساز فهم بهتر از نقاط قوت و چالشهاي موجود در اين حوزه باشد. با توجه به جهاني شدن و تنوع فرهنگي و ديني در دنياي امروز، اين موضوع به عنوان يک رشته تحقيقاتي مهم مطرح است که مي تواند به تجار و دولتها در نهادينه کردن اصول اخلاقي در تجارت و کم کردن اختلافات احتمالي کمک کند. در نهايت، هدف اين تحقيق ايجاد زمينه اي براي بررسي عميقي تر و جامع تر در زمينه قراردادهاي تجارتي بين المللي با تکیه بر قوانين بين المللي و اصول اسلامي است. اين بررسي، علاوه بر شناسايي چالشهاي موجود، مي تواند به قانونگذاران و تجار در تدوين استراتژيهاي مناسب براي رشد و توسعه تجارت بين المللي کمک کند.

۱. چهارچوب مفهومي

منظور از چهارچوب مفهومي اين است که مفاهيمي که در اين مقاله استفاده شده است بايد از نظر مفهوم و معنا مشخص شود تا براي خواننده مشخص شود که در اين مقاله، مفاهيم اصلي و کليدي به چه معنایی به کار رفته است.

الف) مفهوم قراردادهاي تجاري

قراردادهای تجارتي به عنوان ابزار مهم انتقال سرمايه در روابط تجاري همچنان نقش اساسي خود را در صحنه بين المللي حفظ کرده اند. کمتر رابطه تجاري را مي توان سراغ گرفت که در آن قرارداد نقش عمده اي را بازي نکند، نگاهی گذرا به رويه قضايي کشورهای خارجي نيز که در زمينه تعارض قوانين وجود

دارد، همچنین آرای صادره از مراجع داوری خود نه تنها نشان دهنده اهمیت قراردادهای در حقوق امروزی است بلکه آیین‌های تمام نما از درخشش اندیشه‌های قضایی در روابط تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود. (عسکری، ۱۳۹۴: ۲۱)

هر قرارداد تجاری که آن را افراد برای انجام اعمال تجاری خود منعقد می‌کنند جنبه الزامی دارند و موظف به انجام آن هستند. در قراردادهای بین‌المللی تفاوتی با قراردادهای داخلی وجود ندارد و تنها تفاوت آن در وجود طرفین در تابعیت‌های مختلف و از کشورها است که اتباع آن، چه در قالب شخص حقیقی و چه در قالب شخص حقوقی اقدام به انعقاد قرارداد با یکدیگر می‌کند، برای همین منظور قرارداد بین‌المللی دارای یک عنصر خارجی است؛ پس قرارداد بین‌المللی عبارت است از: قراردادی که در آن اشخاص با تابعیت‌های مختلف از کشورهای دیگر اقدام به تنظیم قرارداد خصوصی بین خود می‌کند. به عبارت دیگر قرارداد بین‌المللی را می‌توان هر نوع توافقی دانست که با وصف داد و ستد کالا، خدمات، مبادلهٔ محصول‌های فکری موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری، اعطای امتیاز یا قراردادهای خدمات حرفه‌ای و مشابه آن در روابط تجاری بین‌المللی منعقد می‌شود. (حبیبی، ۱۳۹۴: ۳۸)

ب) مفهوم قرارداد تجاری بین‌المللی

قرارداد تجاری بین‌المللی، ابزاری جهت تنظیم روابط میان تاجران در سطح بین‌المللی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این قرارداد علاوه بر این که یک ابزار حقوقی به منظور تعیین حدود و میزان حقوق و تکالیف طرفین است، نقش مؤثری در موضوعات مهم مذاکرات تجاری دارد که تعیین کننده در تعیین تکلیف روابط تجاری بین‌المللی طرفین است. در تعریف حقوقی، قرارداد به معنای توافق دو یا چند نفر بر سر ایجاد یک ماهیت حقوقی است که بر اساس قانون و مفاد آن، ایجاد الزام و تعهد می‌کند. تجارت در مفهوم عام آن، عملی است که به قصد دستیابی به سود اقتصادی از طریق انجام اعمالی بر کالاها یا ارائه خدمات، انجام می‌شود. منظور از کلمه بین‌المللی نیز واضح است و در این مورد وجود یک عنصر بین‌المللی در قرارداد را شامل می‌شود. (حبیبی، ۱۳۹۴: ۵۲)

با این لحاظ، قرارداد تجاری بین‌المللی قراردادی است که طرفین آن، از طریق پذیرش حقوق و تعهداتی که حداقل یک عنصر فراملی دارد، اقدام به ایجاد یک ماهیت حقوقی می‌کند. منظور از عنصر فراملی در قرارداد تجاری بین‌المللی این است که یا یکی از طرفین آن، افغانی نیست یا محل اجرای قرارداد و یا عمده تعهدات ناشی از آن در خارج از خاک افغانستان باشد. البته بر اساس تعریف مرسوم در کنواسیون‌های بین‌المللی، اگر محل انعقاد و اجرای قرارداد، خاک یک کشور باشد، تابعیت متفاوت طرفین، آن را به قرارداد تجاری بین‌المللی تبدیل نخواهد کرد. (حبیبی، ۱۳۹۴: ۵۳)

یک قرارداد تجاری بین‌المللی در دایره تقسیمات حقوقی، معمولاً به عنوان حقوق بین‌الملل خصوصی در نظر گرفته می‌شود، یعنی روابط بین اتباع کشورها را تنظیم می‌کند. البته، قراردادهایی که دولت به نمایندگی از جامعه و به عنوان یک عمل حاکمیتی با دولت دیگر، منعقد می‌کند، می‌تواند در زمره قراردادهای تجاری بین‌المللی باشد اما در دسته بندی حقوق بین‌الملل عمومی قرار گیرد، که در این صورت با معاهده، متفاوت خواهد بود. هنگامی که یک قرارداد به عنوان قرارداد تجاری بین‌المللی، شناسایی شد، موضوع

تعيين قانون حاكم بر قرارداد و مسائل متعاقب آن مطرح خواهد شد. در صورتی که یک قرارداد تجاری داخلی منعقد شود، قانون حاکم مشخص است و مجموعه قوانین آمره، عرف قراردادی و توافق طرفین، تعهدات طرفین را هنگام اجرا و یا اختلاف، اداره خواهد کرد. این در حالی است که در هنگام اجرا و یا حل اختلافات در قرارداد تجاری بین المللی، ممکن است ابتدا ضرورت تعیین قانون حاکم مطرح شود. برای مثال اگر قراردادی در افغانستان، بین یک تاجر اتریشی و چینی منعقد شده و محل اجرای تعهدات، آلمان باشد، در صورت بروز اختلاف و سکوت طرفین در انتخاب قانون حاکم، قانون کدام کشور بر این قرارداد حاکم خواهد بود؟

مسئله بعدی در ارتباط با قرارداد تجاری بین المللی، دادگاه برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قراردادهای تجاری بین المللی است. بنابراین تعیین این موضع که قرارداد متذکره، یا قراردادی که قصد انعقاد آن را داریم، آیا یک قرارداد تجاری بین المللی هست یا خیر، آثار بسیار مهمی دارد. (حسیبی، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

بنابر آنچه تا کنون بیان شد، قرارداد تجاری بین المللی، با توجه به آثار اقتصادی و حقوقی مهمی که می تواند داشته باشد، باید از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در اولین گام، یک تاجر برای ورود به یک قرارداد تجاری باید ماهیت آن را بداند، صرف افغانی یا خارجی بودن طرف قرارداد، عامل نهایی برای تعیین وصف تجاری بین المللی یا تجاری داخلی بودن یک عقد نیست. پس از تعیین تکلیف در این خصوص، آثار انتخاب و یا ورود به هر کدام از این ماهیت ها، برای یک تاجر بسیار مهم و حیاتی است. قرارداد تجاری بین المللی، در خصوص قانون حاکم و دادگاه صالح پیچیدگی هایی دارد، و قرارداد تجاری داخلی نیز از جنبه تعهدات و نتایج انتخاب یک فرم خاص، آثاری به دنبال خواهد داشت؛ یک قرارداد تجاری خوب می تواند آیندهی تجارت را روشن کرده و یا بر عکس، یک قرارداد تجاری نامناسب، تجارت تاجر را با ایرادات جدی مواجه سازد. (حسیبی، ۱۳۹۰: ۷۰)

۲. شرایط قرارداد تجارت بین المللی در حقوق بین الملل

شرایط قرارداد تجارت بین المللی در حقوق بین الملل به مجموعه الزامات و اصولی اطلاق می شود که برای اعتبار و اجرای یک قرارداد تجاری در سطح جهانی ضروری است. اولین شرط اساسی، توافق واقعی و روشن، بین طرفین قرارداد است که باید شامل جزئیات مهمی نظیر نوع کالا یا خدمت، قیمت، تاریخ تحویل و شرایط پرداخت باشد. همچنین، طرفین باید صلاحیت قانونی برای انعقاد قرارداد را داشته باشند و قرارداد باید مطابق با قوانین و مقررات مربوطه، مانند کنوانسیون های جهانی و قوانین کشورهایی که طرفین در آن جا مستقر هستند، تنظیم شود. از دیگر شرایط مهم می توان به نبودن موانع قانونی، رعایت اخلاق تجاری و شفافیت در مفاد قرارداد اشاره کرد. علاوه بر این، پیش بینی راه های حل و فصل اختلافات در صورت بروز مشکلات میان طرفین نیز از نکات کلیدی در تنظیم قراردادهای تجاری بین المللی به شمار می آید. به طور کلی، رعایت این شرایط می تواند به تضمین اجرای موفق و قانونی قراردادها در عرصه تجارت بین المللی کمک کند. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۴)

الف) قانون حاکم

یکی از مهم‌ترین شرایط در قراردادهای بین‌المللی، تعیین قانون حاکم بر قرارداد است. این امر از چند جهت دارای اهمیت است. تنظیم قراردادی که تمامی شرایط را پیش بینی کرده و برای آن راه حلی اندیشیده باشد، امری محال است. بنابراین در بسیاری از موارد طرفین دچار سردرگمی می‌شوند که در خصوص فلان موضوع چه تصمیمی باید اتخاذ شود تا با قوانین آمره تضادی نداشته باشد. قطعاً قوانین آمره همه کشورها یکی نیست پس این‌که باید ملاحظات قانونی کدام کشور مدنظر قرار گیرد، بدون تشخیص قانون حاکم بر قرارداد مقدور نخواهد بود. از طرفی در زمان بروز اختلاف در صورتی که داور و یا محکمه به عنوان مقام صالح برای حل و فصل اختلاف بخواهند رأی را صادر کنند، این رأی باید منطبق بر قوانین و قواعد حقوقی کدام کشور باشد. قواعد حل تعارض به منظور رفع این ابهام در نظام‌های حقوقی و قوانین هر کشور درج شده تا محکمه با توسل به آن دعوی را که در آن عنصر خارجی وجود دارد، حل و فصل کند. امروزه با توجه به گستردگی روابط تجاری میان اتباع کشورهای مختلف، سعی بر این است که این قوانین در راستای منافع ملی، نیازهای تجاری و نظم بین‌المللی وضع شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۵)

ب) صلاحیت قضایی

در کنار انتخاب قانون حاکم، تعیین صلاحیت قضایی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وقتی اختلافی میان طرفین ایجاد می‌شود، ضروری است که مشخص شود کدام دادگاه برای رسیدگی به این اختلافات صلاحیت دارد. این موضوع به طرفین این اطمینان را می‌دهد که در صورت بروز مشکلات، به یک سیستم قضایی آشنا و فراگیر مراجعه خواهند کرد. طرفین می‌توانند در قرارداد، محکمه خاصی را به عنوان مرجع حل و فصل قضایی تعیین و شفافیت و امنیت حقوقی بیشتری را تضمین کنند. (افضلی، ۱۳۹۵: ۳۵)

صلاحیت قضایی به معنای قدرت و اختیار قانونی دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی و اختلافات است. در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تعیین صلاحیت قضایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا طرفین قرارداد ممکن است در کشورهای مختلفی مستقر باشند و قوانین هر کشور ممکن است متفاوت باشد. تعیین صلاحیت قضایی به طرفین کمک می‌کند تا از بروز اختلافات حقوقی و پیچیدگی‌های ناشی از تفاوت‌های قانونی جلوگیری کنند. یکی از راه‌های معمول برای تعیین صلاحیت قضایی در قراردادهای تجاری بین‌المللی، درج شرط صلاحیت قضایی در قرارداد است. در این شرط، طرفین توافق می‌کنند که در صورت بروز اختلاف، کدام دادگاه یا دادگاه‌های خاصی صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهند داشت. این شرط می‌تواند به صورت انتخاب دادگاه‌های یک کشور خاص یا حتی دادگاه‌های بین‌المللی باشد. (افضلی، ۱۳۹۵: ۳۶)

ج) تعریف کالاها و خدمات

در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تعریف دقیق و واضح از کالاها و خدمات موضوع قرارداد ضروری است. این تعریف باید شامل مشخصات مانند نوع، مقدار، کیفیت و شرایط تحویل کالاها باشد. عدم دقت

در این زمینه می‌تواند به بروز اختلافات جدی منجر شود و بر کیفیت روابط تجاری تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، جزئیات مربوط به کالاها و خدمات بایستی به طور دقیق در قرارداد قید شود تا از سوء تفاهم‌ها جلوگیری شود. کالاها به عنوان اجناس مادی و فیزیکی که قابلیت حمل و نقل و تجارت دارند، تعریف می‌شوند. این تعریف شامل محصولات کشاورزی، صنعتی، معدنی و هرنوع محصول فیزیکی دیگری می‌شود. در قراردادهای تجارتي بين المللي، تعریف کالاها باید به صورت دقیق و جامع باشد تا هیچ گونه ابهامی باقی نماند. (افضلی، ۱۳۹۵: ۳۷)

د) شرایط پرداخت

شرایط پرداخت یکی از مؤلفه‌های کلیدی در قراردادهای تجارتي است. این شرایط شامل نحوه و زمان پرداخت، اسعار مورد استفاده و هرگونه شرایط اضافی دیگر می‌شود. برای مثال، طرفین می‌توانند توافق کنند که پرداخت در چند قسط انجام شود یا به صورت نقدی در زمان تحویل کالا پرداخت گردد. همچنین، در قرارداد باید به موضوع نرخ تبدیل اسعار و شرایط تغییرات اقتصادی مانند نوسانات اسعار توجه شود، به طوری که باعث بروز اختلافات نگردد. (عباسی، ۱۳۹۴: ۲۹)

انواع شرایط پرداخت: در قراردادهای تجارتي بين المللي، روش‌ها و شرایط مختلفی برای پرداخت وجود دارد که هرکدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. در ادامه به برخی از رایج‌ترین روش‌های پرداخت می‌پردازیم:

۱) پرداخت نقدی:^۱ این روش برای فروشنده اطمینان بالایی ایجاد می‌کند، زیرا پرداخت قبل از ارسال کالا یا ارائه خدمات دریافت می‌شود. این روش ممکن است برای خریدار ریسک‌پذیر باشد، زیرا پرداخت قبل از دریافت کالا یا خدمات انجام می‌شود. همچنین ممکن است باعث کاهش نقدینگی خریدار شود.

۲) اعتبار اسنادی:^۲ این روش برای هر دو طرف امنیت بالایی فراهم می‌کند. بانک خریدار تعهد می‌کند که مبلغ پرداخت را به فروشنده پرداخت کند، مشروط بر این که فروشنده شرایط و مدارک مورد نیاز را ارائه دهد. استفاده از LC ممکن است هزینه‌های بانکی و اجرایی بالایی داشته باشد. همچنین فرایند تهیه و ارائه مدارک ممکن است زمان‌بر باشد. (عباسی، ۱۳۹۴: ۳۰)

۳) پرداخت پس از تحویل:^۳ این روش برای خریدار بسیار مناسب است، زیرا پرداخت پس از دریافت کالا یا خدمات انجام می‌شود. این روش می‌تواند به افزایش نقدینگی خریدار کمک کند. این روش برای فروشنده ریسک بالایی دارد، زیرا پرداخت پس از تحویل کالا یا خدمات دریافت می‌شود و ممکن است با تأخیر یا عدم پرداخت مواجه شود. (عباسی، ۱۳۹۴: ۳۱)

1. Cash in Advance

2. Letter of Credit - LC

3. Open Account

۴) پیش پرداخت و پرداخت مرحله‌ای^۱ این روش می‌تواند برای هر دو طرف مناسب باشد، زیرا پرداخت‌ها به صورت مرحله‌ای و در طول زمان انجام می‌شود. این روش می‌تواند به کاهش ریسک‌های مالی کمک کند. نیاز به توافق دقیق و شفاف در مورد زمان و مقدار پرداخت‌های مرحله‌ای دارد. همچنین ممکن است نیاز به نظارت و مدیریت دقیق داشته باشد.

ه) شرایط تحویل

شرایط مربوط به تحویل کالاها یا خدمات نیز جزء موارد مهم در قراردادهای بین‌المللی است. طرفین باید به طور واضح مشخص کنند که کالاها چگونه، چه زمانی و در کجا باید تحویل داده شوند. استفاده از استانداردهای بین‌المللی مانند اینکوترمز (Incoterms) در این زمینه می‌تواند بسیار کارآمد باشد. این قواعد به طرفین در مورد نحوه تحویل و مسؤلیت‌های مرتبط با آن شفافیت می‌بخشد و راهنمایی لازم برای انجام تعهدات را فراهم می‌کند. (منصوری، ۱۳۹۸: ۷۸)

انواع شرایط تحویل: در قراردادهای تجارتهای بین‌المللی، شرایط تحویل متنوعی وجود دارد که هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. برخی از رایج‌ترین شرایط تحویل عبارتند از:

۱) تحویل در محل کار: در این شرایط، فروشنده کالا را در محل خود (کارخانه، انبار و...) به خریدار تحویل می‌دهد و تمامی هزینه‌ها و ریسک‌های حمل و نقل بر عهده خریدار است. فروشنده کمترین مسؤلیت را دارد و تنها موظف به آماده‌سازی کالا برای حمل است. خریدار باید تمامی مراحل حمل و نقل، بیمه و ترخیص کالا را مدیریت کند که ممکن است پیچیده و زمان‌بر باشد.

۲) تحویل روی عرشه کشتی: در این شرایط، فروشنده مسؤلیت تحویل کالا بر روی کشتی در بندر مبدأ را بر عهده دارد و پس از آن تمامی هزینه‌ها و ریسک‌ها به خریدار منتقل می‌شود. این شرایط برای حمل و نقل دریایی مناسب است و مسؤلیت‌ها به وضوح بین فروشنده و خریدار تقسیم می‌شود. خریدار باید مراحل حمل و نقل از بندر مبدأ به مقصد را مدیریت کند.

۳) هزینه، بیمه و کرایه حمل^۲: در این شرایط، فروشنده مسؤول پرداخت هزینه‌های حمل و نقل و بیمه تا بندر مقصد است، اما ریسک‌ها پس از تحویل کالا به کشتی به خریدار منتقل می‌شود. فروشنده مسؤولیت بیشتری بر عهده دارد و خریدار از بیمه و حمل و نقل تا بندر مقصد برخوردار است. ریسک‌ها پس از تحویل کالا به کشتی به خریدار منتقل می‌شود و خریدار باید مراحل ترخیص کالا در مقصد را مدیریت کند. (منصوری، ۱۳۹۸: ۷۹)

۴) تحویل در محل^۳: در این شرایط، فروشنده کالا را در محل تعیین شده در کشور مقصد تحویل می‌دهد و تمامی هزینه‌ها و ریسک‌های حمل و نقل تا آن محل بر عهده فروشنده است. خریدار تنها مسؤول ترخیص کالا و پرداخت مالیات‌ها و عوارض در کشور مقصد است. فروشنده باید تمامی مراحل حمل و نقل و بیمه را مدیریت کند که ممکن است پیچیده و زمان‌بر باشد.

1. Partial Payments

2. Cost, Insurance, and Freight

3. Delivered at Place

و) مدت زمان قرارداد

تعيين مدت زمان قرارداد، يکي ديگر از شرايط مهم است. مدت اعتبار قرارداد مشخص مي‌کند که توافقات طرفين تا چه زماني معتبر خواهند بود و آيا احتمال تمديد قرارداد وجود دارد يا خير. اين موضوع مي‌تواند بر برنامه‌ريزي‌هاي تجاري و استراتژي‌هاي کسب و کار تأثيرگذار باشد. همچنين، بهتر است در قرارداد شرايط مربوط به فسخ قرارداد قبل از پايان مدت زمان آن نيز لحاظ شود. (Beagle, 2018, p 22)

۱) تعيين تعهدات طرفين: مدت زمان مشخص در قراردادها به وضوح تعهدات و وظائف هريک از طرفين را تعيين مي‌کند. اين امر به پيشگيري از سوء تفاهم‌ها و اختلافات کمک مي‌کند و باعث مي‌شود که هريک از طرفين بدانند چه زماني بايد تعهدات خود را انجام دهند.

۲) کاهش ريسک‌ها: تعيين مدت زمان دقيق براي تحويل کالاها و خدمات مي‌تواند به کاهش ريسک‌هاي مرتبط با تأخير در تحويل، نوسانات بازار و تغييرات شرايط اقتصادي کمک کند. اين امر به خصوص در قراردادهای بين‌المللي که عوامل زيادي مي‌توانند بر تحويل به موقع تأثير بگذارند، اهميت دارد.

۳) بهبود برنامه‌ريزي و مديريت: مدت زمان مشخص به طرفين کمک مي‌کند تا برنامه‌ريزي بهتري براي منابع و فعاليت‌هاي خود داشته باشند. اين امر مي‌تواند به بهبود کارايي و بهره‌وري کمک کند و از بروز مشکلات ناشي از عدم هماهنگي جلوگیری کند. (Beagle, 2018, p 23)

ز) شرايط فسخ

شرايط فسخ قرارداد به طرفين اين امکان را مي‌دهد که تحت شرايط خاصي قرارداد را لغو کنند. اين شرايط بايد به طور دقيق و شفاف در قرارداد تعريف شود. براي مثال، در صورتي که يکي از طرفين به تعهدات خود عمل نکند، طرف ديگر بايد حق فسخ قرارداد را داشته باشد. در اين راستا، تعيين مراحل و روش‌هاي لازم براي اعلام فسخ نيز ضروري است. (Friedmann, 2013, p 85)

۱) حفظ حقوق و منافع طرفين: شرايط فسخ قرارداد به وضوح حقوق و تعهدات هريک از طرفين را در صورت بروز مشکلات يا نقض قرارداد تعيين مي‌کند. اين امر به حفظ حقوق و منافع طرفين کمک مي‌کند و از بروز اختلافات جدي جلوگیری مي‌کند.

۲) کاهش ريسک‌هاي تجاري: تعيين شرايط فسخ به طرفين کمک مي‌کند تا در صورت بروز مشکلات، بتوانند به سرعت و به صورت قانوني از قرارداد خارج شوند. اين امر مي‌تواند به کاهش ريسک‌هاي تجاري و مالي کمک کند و از بروز خسارات جدي جلوگیری کند.

۳) ايجاد شفافيت و اعتماد: شرايط فسخ مشخص و شفاف مي‌تواند به ايجاد اعتماد بين طرفين کمک کند. اين امر باعث مي‌شود که هريک از طرفين بدانند تحت چه شرايطي مي‌توانند قرارداد را فسخ کنند و چه تعهداتي در اين صورت بر عهده دارند. (Friedmann, 2013, p 86)

۳. شرايط قراردادهای تجارتي بين المللي در اسلام

شرايط قراردادهای بين‌المللي به مجموعه‌اي از اصول و الزاماتي اشاره دارد که براي اعتبار و اجرايي بودن اين نوع قراردادها ضروري هستند. اين شرايط معمولاً شامل اهليت طرفين، رضايت آزادانه، مشروعيت

موضوع قرارداد، شفافیت و وضوح در مفاد قرارداد، و عدم وجود عناصر غیراخلاقی یا اکراه می‌باشد. علاوه بر این، در قراردادهای بین‌المللی، رعایت قوانین و مقررات کشورها و توافقات بین‌المللی نیز ضروری است. همچنین، در نظر گرفتن زبان قرارداد، مکانیسم‌های حل اختلاف، و انتخاب قوانین حاکم از دیگر شرایط مهم به شمار می‌آید. رعایت این شرایط به ایجاد اعتماد و تسهیل همکاری‌های اقتصادی در سطح جهانی کمک می‌کند. (مدنی، ۱۴۰۰: ۴۰)

الف) قانون حاکم در قراردادها از منظر اسلام

از دیدگاه فقه اسلامی، احترام به قوانین و هنجارهای حقوقی کشورهای مختلف نیز در زمینه قراردادهای تجاری بین‌المللی ضروری است. هر کشور مجموعه‌ای از قوانین و مقررات خاص خود را دارد که باید در زمان انعقاد قرارداد و انجام معاملات به آن‌ها توجه شود. به این معنا که تجار باید از قوانین محلی و همچنین توافقات بین‌المللی آگاه باشند و در قراردادهای خود شرایطی را در نظر بگیرند که در صورت بروز اختلاف، راه‌حل‌های معقول و قانونی داشته باشند. از سویی دیگر، وجود توافقنامه‌های بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوقی مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) به تجار کمک می‌کند تا چهارچوبی قانونی و معتبر برای تنظیم قراردادها داشته باشند. این کنوانسیون‌ها با هدف ایجاد هماهنگی میان نظام‌های مختلف حقوقی طراحی شده‌اند و می‌توانند به قانونی شدن قراردادها و حل‌وفصل اختلافات کمک کنند. بنابراین، توجه به این ابزارهای قانونی و تطبیق آن‌ها با اصول اسلامی از ضروریات اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی به‌شمار می‌رود. چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، تجار مسلمان باید به ایجاد فرهنگ تجارت مبتنی بر اصول اخلاقی و اسلامی در فعالیت‌های خود متعهد باشند. این رویکرد نه تنها به قانونی بودن قراردادها کمک می‌کند بلکه باعث تقویت ارتباطات تجاری در سطح جهانی و تقویت اعتبار مسلمانان در بازارهای بین‌المللی نیز خواهد شد. به این ترتیب، قانونی بودن قراردادهای تجاری بین‌المللی از منظر اسلام یک امر خطوط متقاطع میان حقوق، اخلاق و تجارت را شکل می‌دهد و متعهد شدن به این اصول می‌تواند منجر به تحقق تجارت عادلانه و پایدار شود. (مدنی، ۱۴۰۰: ۸۶)

ب) صلاحیت قضایی در قراردادها از منظر اسلام

فقه اسلامی به اصول اخلاقی مانند شفافیت و صداقت در معاملات تأکید دارد. لذا در صورتی که قراردادی بین‌المللی منعقد می‌شود، طرفین باید از قبل در مورد اوضاع قانونی و قضایی کشور یک‌دیگر آگاهی داشته باشند و این آگاهی می‌تواند به انتخاب دقیق‌تر صلاحیت قضایی کمک کند. به عنوان مثال، اگر یکی از طرفین شرکتی در یک کشور اسلامی باشد و طرف دیگر یک شرکت غیر مسلمان، لازم است که طرفین درباره تفاوت نظام‌های حقوقی و قضایی آگاهی داشته باشند و به منظور جلوگیری از نقض حقوق یک‌دیگر، به توافقاتی دست یابند. تمامی این موارد اشاره به این دارد که مذاکره و توافق بر سر صلاحیت قضایی باید به‌گونه‌ای باشد که هردو طرف احساس امنیت و ضمانت کنند که در صورت بروز مشکل، حقوق آن‌ها بخوبی حفظ خواهد شد. از این‌رو، در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تجار مسلمان باید توجه کنند که مرجع رسیدگی به اختلافات فقط بر مبنای قوانین ملی کشورها نباشد، بلکه باید با توجه به

اصول اسلامي و قواعد بين المللي نيز تنظيم شود. صلاحيت قضايي در قراردادهای تجارتي بين المللي نه تنها بايد به صورت قانوني و رسمي تعيين شود، بلکه بايد با ضوابط اخلاقي اسلامي نيز همخواني داشته باشد. تجار مسلمان بايد از ادارات و مراجع قضايي کشورهای متنوع آگاه باشند و در صورت لزوم، از سازکارهای حل اختلافي مانند داوري يا ميانجیگري استفاده کنند. اين اقدامات مي تواند به حفظ روابط تجاري سالم و پايدار کمک کند و در عين حال از بروز اختلافات جدي جلوگیری کند. (Kamali, 2000, p 11)

ج) تعريف کالاها و خدمات از منظر اسلام

در فقه اسلامي، کالا به هرچيز مادي که قابل خريد و فروش باشد اطلاق مي شود و اين کالاها بايد داراي ارزش اقتصادي و مشروعيت شرعي باشند. به همين دليل، هرنوع کالايي که در قراردادهای تجاري مورد استفاده قرار مي گيرد، بايد از نظر شرعي مضمون و مشروع باشد تا از نظر فقهی مورد قبول قرار گيرد. کالاها به دو دسته کلي تقسيم مي شوند: کالاهای مصرفي و کالاهای سرمايه اي. کالاهای مصرفي، اقلامي هستند که معمولاً براي مصرف مستقيم در نظر گرفته مي شوند، مانند مواد غذايي و پوشاک. از سوي ديگر، کالاهای سرمايه اي عمدتاً به منظور توليد و سرمايه گذاري مورد استفاده قرار مي گيرند، مانند ماشين آلات و تجهيزات صنعتي.

در اسلام، ارائه خدمات نيز بايد مبتني بر اصول اخلاقي و عدل باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای خدماتي مانند مشاوره، خدمات حقوقي، و آموزشي، طرفين بايد به صورت شفاف درباره شرايط و حدود خدمات توافق کنند. ارائه خدمات بايد به گونه اي انجام شود که هيچ گونه تقلب يا فريب در آن وجود نداشته باشد و هريك از طرفين نسبت به تعهدات خويش متعهد باشند. يكي از اصول کليدي در تنظيم قراردادهای وجود موضوع مشخص و مشروع است. در اين زمينه، بايد به دقت تعريف شود که کالا يا خدمات به چه منظور و با چه شرايطي ارائه مي شوند. عدم وجود چنين تعريف روشني ممکن است به اختلافات جدي و ناخواسته بين طرفين منجر شود. لذا لازم است که جزئيات کالا و خدمات در قرارداد به صراحت بيان شده و از ابهام جلوگیری شود. در روابط تجاري بين المللي، تنوع کالاها و خدمات مي تواند به عنوان يک مزيت رقابتي محسوب شود. اما در عين حال، لازم است تجار مسلمان به قوانين و هنجارهای بين المللي توجه داشته باشند و از کالاها و خدماتي که با اصول اسلامي در تضاد باشند، پرهيز کنند. به عنوان مثال، خدماتي که به ترويج مواد مخدر يا فعاليت های غيرقانوني کمک مي کنند، به هيچ عنوان قابل قبول نيستند و در هيچ شرايطي نمی توانند مورد توافق قرار گيرند. از سويي ديگر، در قراردادهای تجارتي بين المللي، اصولي همچون شفافيت و صداقت در ارائه کالاها و خدمات نيز از اهميت ويژه اي برخوردارند. طرفين قرارداد بايد به طور کامل و شفاف درباره ويژگي ها و كيفيت کالاها و خدمات خود اطلاعات دهند و هيچ گونه اطلاعات نادرستي ارائه نکنند. اين امر نه تنها به حفظ حقوق طرفين کمک مي کند، بلکه به ايجاد اعتماد و تقويت روابط تجاري نيز مي انجامد. (Kamali, 2000, p 18)

د) شرایط پرداخت از منظر اسلام

در بین مسلمانان، قراردادهای تجارتي بین‌المللی باید ناشی از اصول و قواعد اسلامی باشند تا با شریعت مغایرت نداشته باشند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این قراردادها، شرایط پرداخت است که در این راستا به تبیین اصول آن خواهیم پرداخت. (Khan, 2004, p 72)

۱. حلال بودن کالاها و خدمات: اولین و اساسی‌ترین شرط در هر قرارداد تجارتي اسلامی، حلال بودن کالاها و خدماتی است که مبادله می‌شوند. این اصول بر مبنای آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) استوار است. کالاهایی مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر که در اسلام ممنوع است، نمی‌توانند در این نوع قراردادها وجود داشته باشند. بنابراین، طرفین باید مطمئن شوند کالاهای مبادله‌ای حلال و با معیارهای اسلامی سازگاری داشته باشد.

۲. وضوح و شفافیت در شرایط: یکی از ارکان مهم قراردادهای تجاری، شفافیت و وضوح در شرایط قراردادی است. اطلاعات مربوط به نحوه و زمان پرداخت، روش‌های انتقال وجه و تمام جزئیات مالی باید به طور واضح و روشن تعریف شود. وجود ابهامات می‌تواند منجر به اختلافات و مشکلات در آینده شود. به همین دلیل، نوشتن یک قرارداد دقیق و جامع که همه جزئیات را پوشش دهد امری ضروری است.

۳. جواز تجاری و تعهد به وفای به عهد: هر قرارداد تجارتي باید به گونه‌ای تنظیم شود که از نظر اسلامی مجاز باشد و هردو طرف موظف به وفای به عهد خود هستند. نقض قرارداد نه تنها باعث بروز مشکلات حقوقی می‌شود، بلکه از نظر اخلاقی نیز ناپسند است. بنابراین، طرفین باید بر تعهدات خود پایبند باشند و در صورت بروز مشکلات، به حل آن‌ها به روش‌های دوستانه پرداخته و به اصول اسلامی پایبند باشند.

۴. نوع و شرایط پرداخت: پول و ارزی که برای پرداخت انتخاب می‌شود، باید بر اساس اصول اسلامی باشد. استفاده از ارزهایی که در شریعت اسلامی مجاز است، ضروری است. همچنین، از نوسان زیاد و مداوم ارز جلوگیری شده و شرایط پرداخت باید به گونه‌ای تعیین شود که باعث ایجاد ضرر برای هیچ‌یک از طرفین نشود. (Khan, 2004, p 73)

۵. عدم ربا و فریب: یکی دیگر از شروط اساسی در پرداخت‌های بین‌المللی اسلامی، عدم وجود ربا (قرض با بهره) در هر نوع قرارداد است. ربا در تمام اشکال آن در اسلام ممنوع است و لازم است طرفین برای جبران هرگونه تأخیر یا هزینه اضافی به توافقاتی مشروع و اسلامی دست یابند. علاوه بر این، هرگونه فریب، غش یا تقلب که ممکن است در طول انجام قرارداد رخ دهد، نیز مردود است و می‌تواند موجب ابطال قرارداد شود.

۶. استفاده از سیستم بارت: در برخی از موارد طرفین ممکن است از سیستم بارت برای مبادلات استفاده کنند. در این مورد نیز لازم است که ارزش کالاها و خدمات به‌طور دقیق و برابر تعیین شود. از آن‌جا که در اسلام فروش کالا با قیمت‌های متفاوت در یک زمان مجاز نیست، باید دقت لازم در تعیین و ارزیابی ارزش صورت گیرد. (Khan, 2004, p 74)

هـ) شرایط تحویل از منظر اسلام

شرایط تحویل نه تنها تأثیر مستقیمی بر تحقق قرارداد دارد، بلکه به برقراری اعتماد و ارتباطات تجاری سالم نیز کمک می‌کند. اکنون به تفصیل به شرایط تحویل کالاها در این نوع قراردادها از منظر اسلام پرداخته می‌شود. (Rahman, 1968, p 85)

۱. تعیین زمان و مکان تحویل: یکی از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین شرایط در هر قرارداد تجارتي، تعیین زمان و مکان تحویل کالا است. در اصول اسلامی، شفافیت و وضوح از اهمیت بالایی برخوردار است و طرفین باید به توافقی مشخص در مورد زمان و مکان تحویل برسند. این توافق باید به گونه‌ای باشد که نارضایتی و تأخیر در تحویل کالا را به حداقل برساند. در صورت عدم رعایت این شرط، طرفین ممکن است با مشکلات فنی یا حقوقی مواجه شوند.

۲. کیفیت و مشخصات کالا: تحویل کالا باید مطابق با مشخصات تعریف شده در قرارداد باشد. در اسلام، هرگونه ارائه کالا با کیفیت پایین یا نامناسب غیرقابل قبول است. طرفین باید از طریق مشخص کردن ویژگی‌ها، ابعاد، و نوع کالا در قرارداد، از بروز اختلافات جلوگیری کنند. بنابراین، رعایت این اصل در فرآیند تحویل به ایجاد اعتماد و اطمینان در روابط تجاری کمک می‌کند.

۳. مسؤولیت‌ها و هزینه‌ها: در قراردادهای تجارتي بین‌المللی، باید به وضوح مشخص شود که مسؤولیت‌ها و هزینه‌های مربوط به تحویل کالا بر عهده کدام طرف است. در بسیاری از قراردادهای مشتری ممکن است مسؤولیت پرداخت هزینه‌های حمل و نقل و بیمه کالا را به عهده بگیرد، در حالی که در برخی دیگر، این مسؤولیت بر عهده فروشنده است. در هر دو حالت، توافق شفاف در این مورد بر اساس عدالت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (Rahman, 1968, p 87)

۴. قاعده «الوفاء بالعهد» (وفای به عهد): در اسلام، وفای به عهد از ارزش‌های اخلاقی و دینی محسوب می‌شود. طرفین باید به تعهدات خود در زمینه تحویل کالا پایبند باشند. عدم تحویل کالا یا تحویل کالا با شرایط غیرمناسب، نه تنها می‌تواند به مشکلات قانونی منجر شود، بلکه از جنبه اخلاقی نیز ناپسند است و ممکن است اعتبار تجاری طرفین را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. استفاده از روش‌های تحویل شرعی: انواع روش‌های تحویل کالا باید مطابق با اصول شرعی و قانون بازرگانی اسلامی انجام شود. به عنوان مثال، قراردادی که شامل شرایط ناعادلانه یا مغایر با شریعت اسلام باشد، قابل پذیرش نیست. هرگونه روش تحویل که شامل ربا، فریب یا انجام کارهای غیرقانونی باشد، در اسلام ممنوع است.

۶. امکان بازرسی کالا: یکی دیگر از شرایط مهم در تحویل کالا، حق بازرسی برای خریدار است. در قراردادهای تجارتي باید به خریدار این حق داده شود که قبل از پذیرش کالا، آن را با دقت بررسی کند تا از تطابق آن با مشخصات قرارداد اطمینان حاصل کند. این شرایط به حفظ حقوق خریدار و جلوگیری از وقوع اختلافات بعدی کمک می‌کند. (Rahman, 1968, p 88)

و) مدت زمان قرارداد از منظر اسلام

در فقه اسلامی، مدت زمان قرارداد نه تنها بر اساس نیازهای تجاری، بلکه بر مبنای اصول اخلاقی و شرعی باید مشخص و تعیین گردد. (Al-Zuhayli, 2003, p 28)

۱. تعریف مدت قرارداد: در ابتدا، باید توجه داشت که مدت قرارداد به معنای زمان لازم برای انجام تعهدات و پردازش فرایندهای تجاری است. تعیین یک مدت زمان مشخص برای قرارداد یکی از اصول اساسی در هرنوع توافق تجاری به شمار می‌رود، زیرا به هریک از طرفین این اطمینان را می‌دهد که قرارداد در یک چارچوب زمانی مشخص و معین به انجام خواهد رسید.

۲. ضرورت تعیین زمان: اسلام به اهمیت تعیین زمان در قراردادها تأکید دارد؛ زیرا نبود یک زمان مشخص می‌تواند به مشکلات و اختلافات منجر شود. به طور مثال، اگر در یک قرارداد فروش، موعد تحویل کالا مشخص نشده باشد، این امر می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی نظیر عدم اطمینان به زمان تحویل و نارضایتی طرفین شود. در واقع، تعیین مدت زمان برای قرارداد، به کاهش تنش‌ها و ابهامات کمک می‌کند و باعث می‌شود که هرطرف با آسودگی خاطر به انجام تعهدات خود بپردازد.

۳. شرایط توافق در مدت زمان: طرفین باید پیش از انعقاد قرارداد بر روی مدت زمان مناسب توافق کنند. این توافق باید به گونه‌ای باشد که هردو طرف بتوانند به راحتی به تعهدات خود عمل کنند و منافع هریک از طرفین را تضمین کند. در صورت بروز شرایط اضطراری، مانند حوادث غیرمترقبه، طرفین باید توافق کنند که آیا می‌توانند مدت زمان قرارداد را تمدید کنند یا خیر.

۴. تبعیت از اصول شرعی: مدت زمان قرارداد باید مطابق با اصول شرعی و قانونی باشد. به این معنا که هرگونه توافقی که ممکن است به ظلم یا ناعدالتی بیانجامد، از دیدگاه اسلامی قابل قبول نیست. در صورتی که مدت زمان معین برای قرارداد به نحوی به نفع یک طرف باشد و دیگری را تحت فشار قرار دهد، این وضعیت می‌تواند خلاف اصول اخلاقی اسلامی باشد. (Zuhayli, 2003, p 28)

۵. امکان تغییر مدت زمان: در فقه اسلامی، امکان تغییر مدت زمان قرارداد زیر شرایط خاصی وجود دارد. اگر طرفین به توافق جدیدی دست یابند که به مصلحت هردو طرف باشد، تمدید یا کاهش مدت زمان قرارداد امری مجاز است. با این حال، این تغییر باید به صورت کتبی و با اطلاع و رضایت هردو طرف انجام شود.

۶. رعایت حقوق طرفین: تعیین مدت زمان باید به گونه‌ای صورت گیرد که حقوق تمامی طرفین به درستی حفظ شود. برای مثال، اگر یک فروشنده متعهد به تحویل کالا در یک تاریخ مشخص باشد، باید این توانایی را داشته باشد که بر اساس توافق، کالا را به موقع آماده کند. از طرف دیگر، خریدار نیز باید بتواند پرداخت را در زمان معین انجام دهد. عدم توجه به این مسایل می‌تواند به تضییع حقوق یکی از طرفین منجر شود.

۷. قوانین و عرف تجاری: در تعیین مدت زمان برای قرارداد، باید به قوانین محلی و عرف تجاری نیز توجه شود. هرکسب‌وکاری ممکن است شناخت خاصی از زمان مورد نیاز برای اجرای پروژه‌ها یا خدمات خود داشته باشد. لذا شناخت و احترام به این عرف‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (احدی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)

ز) شرایط فسخ از منظر اسلام

در فقه اسلامی، شرایط فسخ قراردادهای تجارتي بين المللي باید بر اساس اصول و قواعد شرعی تعریف شود تا از بروز مشکلات و تضییع حقوق طرفین جلوگیری شود. در ادامه به تشریح این شرایط می‌پردازیم.

(Iqbal, 2019, p 69)

۱. وجود دلیل معتبر برای فسخ: اولین و اصلی‌ترین شرط برای فسخ یک قرارداد، وجود دلیل معتبر و منطقی است. در اسلام، قراردادی که بدون دلیل مشخص و موجه فسخ شود، از نظر اخلاقی و قانونی ناپسند است. به عنوان مثال، عدم انجام تعهدات، نقض شرایط قرارداد یا بروز شرایط اضطراری که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد، از دلایل معتبری به شمار می‌روند یا تغییرات کلی در شرایط بازار و عدم امکان تعدیل قرارداد برای حفظ منافع طرفین.

۲. رعایت احکام شرعی: فسخ قرارداد باید مطابق با احکام و قواعد شرعی صورت گیرد. هرگونه فسخی که در تضاد با اصول اسلامی باشد، ممنوع است. به طور خاص، اگر یک طرف فقط به دلیل نامطلوب بودن شرایط، بدون دلیل موجه و به‌ناحق اقدام به فسخ کند، این امر نه تنها غیرمجاز است بلکه ممکن است به نقض حقوق طرف دیگر منجر شود. بنابراین، طرفین باید از قوانین شرعی پیروی کنند و قراردادی منصفانه و عادلانه تنظیم کنند. (شفیعی، ۱۴۰۰: ۸۵)

۳. اطلاع‌رسانی به طرف مقابل: در صورت تصمیم به فسخ قرارداد، طرفی که خواهان فسخ است، باید ابتدا به طرف دیگر اطلاع دهد. عدم اطلاع‌رسانی می‌تواند منجر به سوءتفاهم و ایجاد مشکلات حقوقی شود. در اسلام، برقراری عدالت و انصاف میان طرفین ضروری است و احقاق حقوق در شرایط فسخ قرارداد باید به طور شفاف و محترمانه انجام شود.

۴. شرایط و محدوده قرارداد: شرایط فسخ باید در خود قرارداد پیش‌بینی شده باشد. بنابراین، طرفین باید در ابتدای قرارداد، شرایط و مکانیزم‌های لازم برای فسخ آن را به صورت دقیق و واضح تعیین کنند. وجود بندهای مرتبط با فسخ، مثل شروطی برای فسخ یک‌طرفه یا دوطرفه، مدت زمان اطلاع‌رسانی و نحوه خسارت، می‌تواند به دو طرف کمک کند تا در آینده دچار مشکل نشوند. (شفیعی، ۱۴۰۰: ۸۶)

۵. احترام به حقوق طرفین: در صورت فسخ قرارداد، طرفین باید به حقوق یک‌دیگر احترام بگذارند. به عنوان مثال، اگر یکی از طرفین حق فسخ را دارد، این امر باید به گونه‌ای انجام شود که حقوق مالی و مادی طرف دیگر حفظ گردد. در اسلام، رعایت حقوق دیگران از اصول اساسی اخلاقی به شمار می‌رود و در روابط تجاری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۶. آثار فسخ بر تعهدات: در زمان فسخ قرارداد، باید به آثار آن بر تعهدات مالی و قانونی طرفین توجه شود. به طور معمول، هرطرف موظف است تا خسارت‌های وارده به طرف دیگر را جبران کند. در قرآن و احادیث نیز بر جبران خسارت تأکید شده است. لذا، طرفین باید درباره جبران خسارات احتمالی در صورت فسخ قرارداد توافق کنند و ابهاماتی که ممکن است به تفسیر یا درک نادرست منجر شود را برطرف کنند.

(Baderin, 2003, p 180)

۷. قابلیت تجدید نظر: در برخی از موارد، ممکن است طرفین بخواهند پس از فسخ به توافق جدیدی برسند. در اسلام، برقراری صلح و دوستی مورد تأکید است و می‌توان با توافق مجدد، زمینه‌سازی برای تجدید قرارداد و همکاری‌های آتی را فراهم کرد. در این راستا، نیاز به رعایت اصول اخلاقی، صداقت و اطمینان لازم است تا از بروز مشکلات مجدد جلوگیری شود. (Baderin, 2003, p 181)

نتیجه‌گیری

قراردادهای تجارتي بین‌المللی در حقوق بین‌الملل به عنوان اسناد حقوقی رسمی، روابط تجاری بین کشورها، افراد یا شرکت‌ها را در سطح جهانی تنظیم می‌کنند. این قراردادها باید با دقت تنظیم شوند تا از هرگونه ابهام و اختلاف جلوگیری شود. شرایط اصلی این قراردادها شامل طرفین قرارداد، موضوع قرارداد، تعهدات طرفین، مدت زمان قرارداد، و ضمانت اجرایی است. همچنین، قانون حاکم بر قرارداد و شیوه حل اختلاف از مهم‌ترین عناصر این قراردادها هستند. در حقوق بین‌الملل، طرفین می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب کنند یا در صورت عدم انتخاب، کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی اعمال می‌شود. در فقه اسلامی، قراردادهای تجارتي باید بر اساس اصول عدالت، انصاف و حسن نیت تنظیم شوند. عقد به عنوان یک قرارداد حقوقی در فقه اسلامی، باید دارای شرایطی مانند رضایت طرفین، عقل و بلوغ، و عدم اکراه باشد. همچنین، مفاد قرارداد باید با شرع مطابقت داشته باشد و از هرگونه غش و تقلب اجتناب شود. در قراردادهای بین‌المللی، رعایت حسن نیت و وفای به عهد از اصول مهم است. فقه اسلامی بر عدالت در معامله و حفظ حقوق طرفین تأکید می‌کند و هرگونه قرارداد که با این اصول مغایرت داشته باشد، باطل تلقی می‌شود.

در هردو نظام حقوقی، رعایت عدالت و حفظ حقوق طرفین از اصول اساسی است. در حقوق بین‌الملل، تأکید بر قانون حاکم و شیوه حل اختلاف است، در حالی که در فقه اسلامی، رضایت طرفین و عدم اکراه از مهم‌ترین شرایط یک عقد هستند. با این حال، هردو نظام بر وفای به عهد و حفظ حقوق طرفین تأکید می‌کنند. در نهایت، قراردادهای تجارتي بین‌المللی باید با در نظر گرفتن اصول هردو نظام حقوقی تنظیم شوند تا از هرگونه اختلاف و ابهام جلوگیری شود.

در آینده، انتظار می‌رود که قراردادهای تجارتي بین‌المللی به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر هردو نظام حقوقی قرار گیرند. با افزایش روابط تجاری بین کشورها، اهمیت رعایت اصول حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی در این قراردادها بیشتر می‌شود. توسعه زیرساخت‌های حقوقی و حمایت‌های دولتی از این قراردادها می‌تواند به طرفین در استفاده از مزایای تجارت بین‌المللی و دستیابی به موفقیت در بازار جهانی کمک کند. در نهایت، قراردادهای تجارتي بین‌المللی به عنوان ابزارهای حقوقی مؤثر در توسعه روابط تجاری بین کشورها عمل و از بروز اختلافات جلوگیری می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. احدی، محسن. (۱۳۹۷). اصول و مبانی قراردادهای در نظام حقوقی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. افضلی مهر، مرضیه و سید حسن وحدتی شبیری. (۱۳۹۵). حقوق قراردادهای تجارتي بين المللي. تهران: انتشارات پژوهش.
۳. حبیبی، محمود. (۱۳۹۴). تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۴. حبیبی، به آذین. (۱۳۹۰). حداقل استاندارد بین المللی و حمایت از حقوق سرمایه گذاری خارجی، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۳۳.
۵. شفیعی، حامد. (۱۴۰۰). مطالعه فقهی اصول کلی قراردادهای در نظام حقوقی اسلام، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱.
۶. عسکری پوریا. (۱۳۹۴). مؤسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۷. مدنی، حسن. (۱۴۰۰). حقوق قراردادهای از منظر فقه اسلامی، قم: انتشارات نور علم.
۸. منصوری، سروش. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی انواع قراردادهای تجارتي بين المللي، مجله حقوق بین الملل خصوصی، شماره
9. Al-Zuhayli, Wahbah. (2003). *Islamic Commercial Law: A Comparative Approach*. London: Dar Al-Fikr.
10. Baderin, Mashood A. (2003). *International Human Rights and Islamic Law*. Oxford: Oxford University Press.
11. Beagle, William. (2018). *International Commercial Contracts: The Law and Practice of International Contracts (2nd ed)*, London: Routledge.
12. Friedmann, Wolfgang. (2013). *The Law of International Trade (4th ed.)*. New York: Kluwer Law International.
13. Kamali, Mohd. Hashim. (2000). *Islamic Commercial Law: An Analysis of the Rules and Regulations of Islamic Commercial Transactions*. Cambridge: Islamic Texts Society.
14. Khan, Shamsher M. (2004). *Islamic Law of Contracts: A Comparative Study of Islamic and English Contract Law*. New Delhi: Kanishka Publishers.
15. M. Iqbal, Muhammad. (2012). *Islamic Finance: Theory and Practice*. London: Palgrave Macmillan.
16. Rahman, Fazlur. (1968). *Islamic Law: Theory and Practice*. Chicago: University of Chicago Press.